نکته های نابِ کتابِ "طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن" - قسمت 16

ایمان،باورِ توام با عمل،مساوی ست با تمام شرایط خوشبختی و سعادت { ِ انسان}.خدای متعال در قرآن،حدود سی چهل مطلب هست که بر ایمان مترتب کرده {است}.

اینکه در راه طولانی اش به سوی سعادت،از دغدغه ها و وسوسه های درونی برهد.دقت کنید که دغدغه ها و وسوسه های درونی،توان فرسا تر از عامل های بازدارنده برونی است.یک وقت جلوی شما را می گیرند،می گویند آقا،ما نمی گذاریم از اینجا عبور کنید.تاریخ صریحا به ما گفته که وقتی جلوی راه کسی،راهرویی را بگیرند،در پیمودن این راه حریص تر می شود،شوقش بیشتر می گردد.

یک وقت هست که انسان را از درون می پوسانند.در او تردید ایجاد می کنند،راه باز است،اما توانِ رفتن،اراده رفتن،تصمیمِ حرکت،امکان تلاش را از انسان می گیرند،این بدتر است،چرا می روی؟چه فایده ای دارد؟شاید نرسیدی.خیلی خونسرد و دلسوزانه و پیرمردانه و استادانه.این مانع،این وسوسه،این دغدغه،به مراتب توان فرساتر است از آن چوبی که وسط راه بگذارند،بگویند نمی گذاریم بروی.

در قرآن می گوید که فشار و فقر،آن قدر زیاد وجود داشت که حتی خواص متزلزل می شدند که " مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ" ببینید، حتی خواص را می لغزاند این تردیدها تزلزل ها و دغدغه های درونی.

در دعای کمیل می خوانیم " و اشدد علی العزیمة جوانحی" دل مرا بر تصمیم قادر کن.بتوانم تصمیم بگیرم،بتوانم بر ضعف ها،تردیدها،شک ها،وسوسه ها،دغدغه ها غالب و فائق آیم.این انسان را زیاد در راه می نشاند،و از پیمودنِ راه باز می دارد.